

آزمونک درس هفتم دوازدهم

ردیف	سوالات	بارم
۱	در کدام جمله، معنی واژه مشخص شده نادرست آمده است؟ (الف) محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. نهایت (ب) وصول به حُسن ممکن نشود، الا به واسطه عشق. (رسیدن) (ج) در عالم عشق هر کجا برنایی است (جوان) (د) عاشقی بی خودی و بی رایی باشد (بیهودگی)	۰/۲۵
۲	در بیت «هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» کدام آرایه ادبی دیده نمی شود؟ (الف) تضاد (ب) تکرار (ج) تلمیح (د) جناس همسان	۰/۲۵
۳	در کدام عبارت غلط املایی وجود دارد؟ (الف) بنده را گوید: تو عاشق و محب مایی و ما معشوق و حبيب توایم (ب) عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی معوا نکند و به هر دیده، روی ننماید. (ج) می کوشند، که خود را به حُسن رسانند و به حُسن که مطلوب همه است، دشوار می توان رسیدن. (د) هر که عاشق نیست، خود بین و پرکین باشد و خود را می بود.	۰/۲۵
۴	الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» در کدام بیت دیده می شود؟ (الف) آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است (ب) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت	۰/۲۵
۵	الگوی جمله «مردم به او دهقان فداکاری می گفتند»، نهاد + متمم + ... + فعل است.	۰/۲۵
۶	در همه گزینه ها به جز جمله ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» دیده می شود. (الف) محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. (ب) به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد. (ج) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند. (د) آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند.	۰/۲۵

پاسخنامه سؤالات

۱- گزینه «د» (بی خودی: بی هوشی، حالت از خود رستگی و به معشوق پیوستن)

۲- گزینه «د» جناس همسان ندارد، زیرا «خویش» در معنای یکسانی به کار رفته و تکرار شده است. دور ماند و باز جوید: تضاد، خویش و خویش: تکرار، تلمیح به «كُلُّ شَيْءٍ يُرْجَعُ إِلَى أَصْلِهِ» (هر چیزی به اصل خود باز می گردد)، اصل و وصل: جناس ناهمسان (ناقص)

۳- گزینه «ب» (معوا ← مأوا)

۴- گزینه «الف» آن کسی را که سلیمان کردیم (گردانیدیم) او اهرمن است /

مفعول مسند فعل نهاد مسند فعل

جیب و جام من از مال و می تهی است

نهاد مسند فعل

۵- مسند؛

نقش ها: مردم: نهاد | او: متمم | دهقان فداکار: مسند | می گفتند: فعل

۶- گزینه «ب» (دو پایه نردبان را نسازد، نقش «مسند» ندارد). گزینه «الف»: آن را عشق خوانند.

مفعول فعل مفعول مسند فعل

گزینه «ج»: عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند. گزینه «د»: همه جهان را آتش می بیند.

مفعول مسند فعل مفعول مسند فعل

ردیف	سوالات	بارم
۷	الگوی ساخت همه گزینه ها به جز جمله گزینه «نهاد+مفعول+مسند+فعل» است. (الف) عشق حقیقی، دل و جان را پاک می گرداند. (ب) پروانه همه جهان را آتش ببند. (ج) برخی عاشق را دیوانه می پندارند. (د) عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.	۰/۲۵
۸	کدام اثر مربوط به بخش ادبیات غنایی نیست؟ (الف) مثنوی معنوی (ب) تمهیدات (ج) قصه شیرین فرهاد (د) فی حقیقه العشق	۰/۲۵
۹	واژه های مشخص شده در دو جمله زیر خلق کننده کدام آرایه ادبی مشترک هستند؟ (الف) بدان که از جمله نام های حسن یکی «جمال» است و یکی «کمال». (ب) بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد.	۰/۲۵
۱۰	در بیت زیر، کدام کلمه آرایه «ایهام» را پدید آورده است؟ توضیح دهید. («در عالم پیر هر کجا برنایی است عاشق بادا که عشق، خوش سودایی است»)	۰/۵
۱۱	مفهوم نمادین هر یک از کلمات مشخص شده را بنویسید. (الف) ای عزیز! پروانه قوت از عشق آتش خورد، بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد. (ب) بین آخر که آن پروانه خوش چگونه می زند خود را به آتش	۰/۲۵
۱۲	موارد زیر را به نثر روان معنا نمایید؟ (الف) عشق هر کسی را به خود راه ندهد. (ب) ای عزیز! پروانه قوت از عشق آتش خورد (ج) چون نیک اندیشه کنی، همه در آن می کوشند که خود را به حسن رسانند.	۱
۱۳	مفهوم مشترک دو بیت زیر چیست؟ («گفتی: به روزگاران مهری نشسته» گفتم: «بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران» («وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران»)	۰/۲۵
۱۴	جمله پایانی عبارت زیر، کدام ویژگی عشق را بیان می کند؟ («او بنده خود را عاشق خود کند، آن گاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید: تو عاشق و محب مایی و ما معشوق و حبيب توایم.» [چه بخواهی چه نخواهی].)	۰/۲۵
۱۵	منظور از قسمت مشخص شده در عبارت چیست؟ «عشق آتش است، هر جا که باشد، جز آو رخت، دیگری ننهد.»	۰/۲۵
۱۶	عین القضا در عبارت «حیات از عشق می شناس و ممات بی عشق می یاب» چه چیز را سبب ممات می داند؟	۰/۲۵

پاسخنامه سوالات

۷- گزینه «د» (عشق از بهر این معنی فرض راه آمد شد.)

نهاد متمم مسند فعل

۸- گزینه «ج» کتاب «قصه شیرین فرهاد» درباره دفاع مقدس است.

۹- سجع (هماهنگی کلمات پایان جملات در حرف آخر یا وزن یا هر دو را سجع گویند؛ جمال و کمال؛ هماهنگی در حرف آخر و وزن قرار و وجود هماهنگی کلمات در وزن)

۱۰- سودا ایهام دارد: ۱- دیوانگی ۲- تجارت و داد و ستد ۱۱- (الف) آتش: نماد عشق (یا معشوق) (ب) پروانه: عاشق واقعی

۱۲- (الف) عشق هر کسی را نمی پذیرد. (ب) ای عزیز! پروانه (انسان عاشق) از عشق آتش (معشوق) نیرو و رمق می گیرد. (ج) وقتی خوب فکر می کنی (متوجه می شوی) همه تلاش می کنند خود را به نیکویی و زیبایی برسانند.

۱۳- ماندگاری عشق در دل و روزگار

۱۴- اختیار و اراده نداشتن عاشق در انتخاب آن چه در عشق وجود دارد

۱۵- فقط عشق مقیم آن جا می شود (هر چه جز عشق، کنار می رود). ۱۶- بی عشق بودن